

با ما در ارتباط باشید

ایمیل: info@shahrara.com رایانامه
تلفن: ۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰ پیامک
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱ پیام رسان

شرکت مخابرات

تربابی از دست مخابرات و اینترنتشش که اصلا وصل نمی شود، دادمان را به چه کسی برسانیم؟

طوسی |خواهشمندم اقدام فرمایید.ما جامانده‌ها از واریز بیمه بیکاری کرونا هستیم. پیگیری کنید که پول بیمه بیکاری کرونا را واریز کنند.

۱۶۰...۰۹۳۵ |خبر ترافیک سنگین و وحشتناک سه‌راه فردوسی و پل قائم را هم به گوش شهردار محترم برسانید.

۸۹۳...۰۹۱۵ |برای بانک کار گشایی باید یک حساب ۶۰هزار تومانی در بانک ملی افتتاح کنیم. ۱۰ هزار تومانش را بدهیم که پیامک بیاید. آن ۵۰هزار تومان را هم نباید دست بزنیم و باید در حساب باشد! می‌شود بگویید زور گیری به چه می‌گویند؟!

مجلس شورای اسلامی

علیرضا |نمایندگان انقلابی فرمودند برای اینکه بار مالی ایاب و ذهابشان را از دوش مجلس و مردم بردارند خودرو تحویل گرفته‌اند. ما به قیمت و رانت که نمی‌گذارم مثل مردم چندین ماه در صف خودرو باشند، کار نداریم. بفرمایند خودرو اجاره‌ای که در خدمت دارند، هزینه اجاره‌اش از کجا پرداخت می‌شود یا وقتی خودرو تحویل گرفته‌اند چرا از ماشین اجاره استفاده می‌کنند؟ پس فرقی در هزینه‌ها رخ نداده و بیشتر شده است.

گرانی

۷۵۸...۰۹۳۵ |دو سیب و سه تا نارنگی ۵تومان! هر کدام کیلویی ۱۰ تومان! ولی اگر مستقیم از باغ‌دار بدون واسطه خرید کنیم، تقریبا کیلویی ۵تومان می‌شود. این است یک علت گرانی.

دولت

سحرا |خدایای چقدر کیف می‌کنید که مردم را می‌گذارید سر کار؟ خدا را خوش نمی‌آید جیب خودتان پراز پول باشد و مردم چهار ماه منتظر یک میلیون وام. شهر یورماه هم تمام شد والان وسط مهر است؛ پس قولتان چه می‌شود؟ قرار نیست وام بدهید، چرا هی پیامک می‌دهید و زمان واریز تعیین می‌کنید؟ **نجفی** |کلی خوشحال شدیم که قرار است به مستأجرها وام بدهند. رفتم دنبالش کارهایش. گفتند دولت میلیی را بابت رهن به حساب صاحبخانه می‌ریزد. مستأجر باید هر ماه سود مبلغ را بابت سود این وام به به بانک بریزد. در آخر هم که این پول باید به دولت برگردانده بشود. یعنی این وسط فقط سر مستأجر بدبخت کلاه رفته است!

بوس و سهام عدالت

شهرورد |لطفاً پیگیر بانک... شوید. یک‌ماه‌ونیم است ۰ عدد سهام را فروختم‌ام و در بدترین شرایط زندگی‌ام را می‌گذرانم. چرا فکر نمی‌کنید مردم از سر ناچاری سهامشان را فروخته‌اند؟ چرا هیچ‌کس پاسخ‌گوی واریزشدن پول فروش سهام عدالت نیست.

ابوالفضل |لطفا پیگیر کار گزاری بانک... باشید که بدجوری ظلم می‌کند در حق ما. ما که دستان نمی‌رسد به بالایی‌ها، شما اما می‌توانید از آن‌ها جواب بخواهید.

این هفته:نصب نیمکت برای ایستگاه‌های کوشش

گروسی |باتوجه به اینکه اتوبوس‌های خط ۸۲و ۸۴ هر ۲۵تا ۳۰دقیقه از ایستگاه‌های این خطوط می‌گذرند، چرا در خیابان ۱۷شهریور و کوشش حتی یک سندلی برای انتظار مسافر در ایستگاه وجود ندارد؟ تحمل این زمان زیر آفتاب و باران مشقت‌آور است.

سازمان اتوبوس‌رانی |به اطلاع شهروند محترم می‌رساند با توجه به اینکه پروژه احداث سایبان ایستگاه‌ها در حال انجام است، نیمکت ایستگاه اعلام شده ظرف هفته جاری نصب می‌گردد.

ایستگاه بین چراغچی ۱۷و۱۵ جابه‌جا شده است

۴۶۷...۰۹۱۵ |ایستگاه اتوبوس صدمتری بین چراغچی ۱۵و ۱۷شیشه‌هایش جمع آوری شده یا سرقت؟ لطفا پیگیری فرمایید.

سازمان اتوبوس‌رانی |به اطلاع شهروند محترم می‌رساند ایستگاه مذکور طبق طرح مصوب سازمان ترافیک، ۷ مهرماه جاری به باند کندرو در مکان جدید میدان ابوطالب منتقل شده است.

با ما بهتر دیده شوید

۰۵۱۲۸۸۸۸۱۰۳ ۳۷۲۸۸۸۸۱۰۳ داخلی ۵۲۷

شهرآرا

روزنامه شهرامید وزندگی

۳شنبه ۱۵مهر ۱۳۹۹ شماره ۳۲۲۰

SHAHRARANEWS.IR

۰۴

جامعه

گزارش روز



گاهی کلمات را در جای درستی استفاده نمی‌کنیم؛ مثلاً به چیزی که

خیلی هم نیست، الکی می‌گوییم خیلی. اما این خیلی، واقعی است: گردآوری داده‌های این گزارش خیلی سخت بود؛ یک سختی بی‌دلیل. نامه‌نگاری‌ها کردیم و در هفته‌های متمادی، ده‌ها بار پیگیری، آن هم با تاکید بر رعایت خط قرمزهای خودساخته دستگاه‌های اجرایی، برای عالم و آدم توضیح دادیم که هدفمان صرفاً اطلاع‌رسانی درباره خودکشی‌هایی است که هرازچندی، خبرهایش را می‌شنویم و سیاه‌نمایی یا بزرگ‌نمایی در شأن روزنامه مردم مشهد نیست.
باین حال، کار به تایید حراست دستگاه‌های مربوط رسید و با تاکید بر اینکه مطلب پیش از چاپ، تایید شود، قفل زنگ‌زده درهای همکاری باز شد. یکی از دستگاه‌ها سوالات خنثی و بدون سوگیری ما را به تهران فرستاد و چند روز بعد، جواب منفی تحویلمان داد. باز هم خسته نشدیم و پیگیری‌هایمان را ادامه دادیم و درنهایت ۲۱ کلمه جوابی را تحویل گرفتیم که پاسخ هیچ کدام از سوالاتمان نبود.
سوی دیگر ماجرا، افرادی بودند که خودکشی کرده بودند. چندتفری را سراغ گرفتیم و فهمیدیم که دیگر در این دنیا نیستند. آن‌هایی هم که زنده مانده بودند، حاضر به صحبت نمی‌شدند.

آنچه می‌خوانید، چند روایت کوتاه از کسانی است که از خودکشی‌هایشان، جان سالم به در برده و برای گفت‌وگو، عازم آمادگی کرده‌اند. تعداد کسانی که در استان، به این رفتار مبادرت می‌کنند و تعداد آن‌هایی که به خواسته‌شان رسیدند، جزو همان آمارهایی است که دربرابر پرسیدن آن، «هیس!» دریافت خواهید کرد. از سن، جنسیت، تحصیلات و خیلی چیزهای دیگرشان هم خبر نداریم. براساس داده‌های وزارت بهداشت، همین قدر می‌دانیم که شیب آمار خودکشی در کشور، ملایم و افزایشی است و نرخ خودکشی‌های منجر به مرگ در خراسان رضوی به مراتب کمتر از میانگین کشوری است. همچنین در این پرونده، توصیه‌هایی را از کارشناسانی می‌خوانیم

خواندن این گزارش به مخاطب کمتر از ۱۷ سال توصیه نمی‌شود

وقایع نگاری یک مرگ «از پیش اعلام نشده»!

روایت شهرآرا درباره سویه‌های گوناگون ارتکاب به یک «گناه کبیره»

فرزانه شهامت

f.shahamat@shahraranews.ir

به این افراد دل بریده از جانشان، سر و کار دارند. خواندن این مطالب به افراد کمتر از ۱۸ سال توصیه نمی‌شود.

● هیچ وقت نگفت مقصر است

«بوی خون که به دماغم خورد، حالم به هم خورد. داد زدم: حامد بی‌ا! این کثافت رگش رو زده!» ۱۰ سالی از ماجرا می‌گذرد اما جواد، خاطره آن شب بهاری را موبه‌مو به یاد دارد. او، رضا و حامد، دوستان قدیمی بودند و اخلاق هم را مثل کف دست می‌شناختند. از چند وقت پیش رفتارهای رضا غیرعادی شده بود. می‌دانستند که از آن بچه‌ننه‌های پر توقع و همیشه شاکی است ولی این اواخر، زیادی پکر بود و ذهنش تسوی فاز فکرهای منفی

دور می‌زد. یک بار

هم بعد از گنده‌های

مجردی شان، در

مسایل رضا ابزار

مصرف مواد مخدر

دیده بودند، «یه

اخلاقی بدی که داشت،

این بود که فکر می‌کرد عالم و آدم باید در خدمتش باشن. از این آدم‌هایی بود که همیشه نسبت به شرایط گله دارن و شاکی‌ان. برای قسمش یه بار هم نشد بگه توی این موفق‌نشدن‌ها، سهم خودش چیه. دلش می‌خواست خانواده هر جور که اون می‌گه از نظر مالی بهش حال بدن. اون‌ها هم زیر بار نمی‌رفتق و بینشون ناراحتی پیش می‌اومد. به‌شدت اهل مقایسه خودش با بقیه بود؛ چرا فلانی آره، من نه. تا اینکه...»

تا اینکه یک روز رضا در خانه مجردی حامد، مهمان می‌شود. حامد هم که می‌بیند رقیقش کسل‌تر، ناامیدتر و بی‌حوصله‌تر از همیشه به نظر می‌رسد، برای عوض کردن حال و هوا، یک دورهمی شبانه ترتیب می‌دهد. جواد تعریف می‌کند: رضا از صبح، از توی خونه تگون نخورده بود. ساعت ۱۱:۳۰ شب وقتی با حامد رسیدیم خونه، دیدیم همه جا پر از دوده؛ از بس که از صبح توی اتاق درسته، سیگار کشیده بود. خودش زیر پتو خواب بود؛ یعنی بهتره بگم منگ بود. صدایش که می‌زدیم با اکراهِ و شل و ول جوابمون رو می‌داد. حوصله هیچ کاری رو نداشت. قبول نکرد دسته‌جمعی آشپزی کنیم. شام داشت آماده می‌شد. به زور بیدارش کردیم. خیلی بی‌حال بود و چشم‌هاش پف داشت. گفت می‌خواد بره حموم. ۲۰دقیقه‌ای

«در حال حاضر مشترک موردنظر پاسخ‌گو نیست. لطفاً بعداً تماس بگیرید.» نخستین تماس تلفنی‌مان که بی‌پاسخ ماند، خسته از پیگیری‌های کم‌ثمر، همه سر دواندن‌های دستگاه‌های اجرایی را مرور کردیم و با خودمان گفتیم: لابد این‌هم یکی مثل بقیه. چند دقیقه بعد برخلاف انتظار، تماس گرفت و پرسید: چه فرمایشی داشتید؟ موضوع را که گفتیم به راحتی دعوتمان برای کمک گپ خودمانی درباره خودکشی را قبول کرد و برای کمتر از ۲۴ ساعت بعد، قرار گذاشت. بخش‌هایی از گفت‌وگوی ما را با دکتر مجید فولادیان، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، در ادامه می‌خوانید.

● **از سال ۹۰ در یکسر مطالعه آسیب‌های اجتماعی مثل خودکشی شده‌اید. از تجربه‌هایتان بگویید.**
برای خودکشی دو داده در کشور داریم. یکی آمار خودکشی‌های منجر به مرگ است که پزشکی قانونی دارد و شاید بتوانید پیدا کنید. دیگری آمار اقدام به خودکشی است که داده مهم‌تری است و دانشگاه علوم پزشکی دارد و در اختیار هر کسی نیست و به سختی در اختیار قرار می‌گیرد. در گزارش‌هایم بخشی از داده‌های مربوط به سال‌های ۹۲ و ۹۳ را منتشر کردم. گزارش دیگری هم هست که به زودی آن را منتشر می‌کنم.

انگار که به تردید افتاده باشد، ادامه می‌دهد: فرشته از من بزرگ‌تر بود. ما دخترخاله و پسرخاله ناتنی بودیم. همیشه هوایم را داشت و نمی‌گذاشت بچه‌های فامیل و همسایه، اسباب‌بازی‌هایم را بردارند یا خوراکی‌هایم را بخورند. این‌ها یعنی عاشقم بوده؟ اگر بود، پس چرا...

زمان را به عقب برمی‌گرداند؛ به چیزی حدود ۳۰ سال پیش. وقتی مثل نوجوان‌های هم‌سن‌وسالش، در پی اثبات خودش به دیگران بود، حتی اگر به قیمت جانش تمام شود؛ «اون روز فرشته اعصاب نداشت. انگار توی خونه با کسی حرفش شده بود. اومد توی باغ و گفت: حسین می‌خوای بهت شنای یاد بدم؟ قبول کردم. استخر کشاورزی‌مون بزرگ و عمیق بود. قدم‌قدم توی آب جلو می‌رفتم که پرسید: می‌آی برنگردیم؟ که لش‌لش بودم. فکر نمی‌کردم ته این کار مرگه. فکر می‌کردم مریض می‌شم، بعدشم خوب

● **مادر پیدا کردن داده‌های گزارش‌شمان با دشواری‌های زیادی مواجه شدیم. به نظراتان چرا کسی دلش نمی‌خواهد از این آسیب اجتماعی حرفی بزند؟**

اگر منظور تان مسئولان است، چون به مسائل اجتماعی ابعاد امنیتی می‌دهند، می‌خواهند داده‌ها، مثلاً در مورد خودکشی یا اقدام به خودکشی بیرون نرود تا گزارش منفی‌ای از ایران منتشر نشود. به نظرم کار کاملاً اشتباهی است چون تا وقتی داده‌های دقیقی در مورد مسائل اجتماعی نداشته باشیم، نمی‌توانیم برای حل آن‌ها وارد حوزه سیاست‌گذاری شویم.

● **شاید فکر می‌کنند لازم نیست مردم خبردار شوند و همین‌که خودشان می‌دانند، کافی است.**

همین‌طور است. می‌گویند ما خودمان داده‌ها را داریم و کسانی که باید مطلع باشند مسئولان هستند؛ آن هم فقط یک سطح از مسئولان. این درست نیست. همه از جمله محققان باید در جریان داده‌ها قرار بگیرند تا به مسائل اجتماعی حساس شوند.

● **حتی شما هم به عنوان محقق دچار چالش شدید؟**

بله. دسترسی به داده‌ها برای من هم چند ماه زمان می‌برد و باید ده‌ها بار پیگیری کنم؛ حتی در پروژه‌های رسمی و متعلق به نهادهای دولتی. مثلاً الان دارم پروژه‌ای را برای تحلیل چندسطحی آسیب‌های اجتماعی انجام می‌دهم. یک سال است که درگیر پیدا کردن داده‌ها هستیم. خودکشی به یکی از آسیب‌هاست که آخرش هم آمار ندادند و مجبور شدم سراغ راه دیگری بروم.

● **سکوت کسانی که تجربه اقدام به خودکشی داشته‌اند و خانواده‌هایشان، چطور؟**



می‌شم. جلوتر که رفتم، آب هم‌قدوم شده بود. تعادل نداشتم. زیر پام داشت خالی می‌شد. حس کردم دارم میرم اون دنیا. مغزم کار نمی‌کرد. فرشته ولم نمی‌کرد. بعداً گفت می‌خواستنه کمک کنه اما نمی‌توسته. جیغ کشید، دوباره و سبانه، خونواده‌هامون شنیدن»

از بعد ماجرا خاطره چندان‌ی ندارد. همین‌قدر یادش می‌آید که خانواده فرشته، با دخترشان دعوی‌حسابی کردند اما خانواده او، نه به رو آوردند و نه تا امروز، هر بار که حرفی از ماجرا پیش‌آمد، چیزی جز سکوت تحویل دادند. بعدها که آتش عشق حسین و فرشته تند شد و خانواده‌ها با وجود اختلافات شدید، به این ازدواج رضایت دادند، ماجرای آن روز را بارها مرور کردند اما این حرف‌ها کمکی به فهمیدن حسان نکرد.

چندسالی از جدایی بدون طلاق این دو می‌گذرد و حسین که به دور از والدین،

سکوت می‌کنند چون خودکشی در ایران یک گناه بسیار بزرگ شمرده می‌شود و یک نوع تابو است؛ بنابراین افراد به سختی حاضرند درباره تجربه به‌شان حرف بزنند. شاید در کشورهای غیراسلامی، چنین حالتی نباشد.

● **در آمارهای رسمی آمده‌که ششیب خودکشی در کشور، هرچند کم، رو به افزایش است. فکر می‌کنید چرا؟**

خودکشی مثل بقیه مسائل اجتماعی، پیچیده است و تحت تأثیر عوامل متعددی اتفاق می‌افتد؛ مثلاً در جامعه ما بنا بر گزارش‌های رسمی، میزان امید به آینده در ۱۰ سال اخیر به‌شکل عجیبی کاهش پیدا کرده است. این کاهش یک‌باره، دشواری‌های اقتصادی، گسست‌های فرهنگی و نسلی و جدا شدن افراد از ساختارهای سنتی گذشته، باعث می‌شود که راحت‌تر به سمت خودکشی بروند.

● **ما در بررسی‌هایمان، یک ساختار نظام مند برای حمایت از افراد با تجربه خودکشی و خانواده‌هایشان ندیدیم. شما چطور؟**

در باب خودکشی اتفاقاً برخلاف خیلی از آسیب‌های دیگر، دستگاه متولی به آن مفهوم، وجود ندارد. مثلاً مسئله روسپیگری، دختران فراری، کودکان کار و... دستگاه متولی دارد اما من ندیدم برای حمایت از کسانی که اقدام به خودکشی کرده‌اند، نهادی متولی باشد. اگر کسی با بهزیستی تماس بگیرد، مشاوره می‌دهد ولی حمایت به آن معنا وجود ندارد، مگر اینکه مورد، جزو طبقات فرودست باشد. مسئله اینجاست که خودکشی مربوط به همه طبقات است، نه فقط طبقه فرودست. هر کدام با الگویی متفاوت و هیچ نهادی هم متولی حمایت